

دخترش حضرت حفصه ام المومنین خواندن و نوشتن را به خوبی می دانست و در جمع کردن قرآن حکم بزرگی داشت. آیاتی که بر روی پوست نوشته شده بود آیات ا تا ه سوره طه بود. هر خواندن به این آیت شروع کرد. با خواندن آیات قرآن جسمانش از اشک پر شد به خواهرش نگاه می کرد و گفت چقدر این سخن زیبا و پر معنی است!

ابن اسحاق بقیه ماجرا را این گونه روایت میکنند. این خطاب شمشیرش را حمل کرد و آنگاه به طرف دارالرقم براه افتاد. وقتی به خانه ای محل اجتماع پیامبر و یارانش رسید دروازه را کبیده مردی از یاران خدا با بیعت و هراسی به حضرت محمد خبر داد. حضرت خنجر عوی پیامبر که مملو از طلا و شبنمی بود برخاست و گفت: به او اجازه بدهید و وارد شود. اگر نیت خیر داشته باشد شایسته

احترام است و اگر قصدی بدی داشت او را با شمشیرش می کشیم. رسول فرمودند: به او اجازه ورود بدهید و آنگاه برخاسته به طرفش رفتند تا او را ملاقات کند. پیامبر پس از دیدنش بر سیدند. ای پسر خطاب چه عامل باعث آمدن تو به این جا شده است؟ عمر باهدای بریده و لوزان که همراه با حسن پند پذیرای بود گفت: ای رسول خدا به خدمت شما آمده ام تا به خدا و پیامبر خدا و آنچه که از نزد خدا آورده ام بیاورم. رسول الله و مکتب که در سال خانه بودند از غرط مرت و خوشحالی به حدی باهدای بلند تکبیر الله اکبر می گویند که صدای شان به گوش آن دسته از مردم مکه که نزدیک خانه بودند می رسد.

حضرت عمر در سال پنجم نبوت به دین اسلام مشرف گردید. چون طره مسلمانان در هجرت 40 نفر مرد و 11 نفر زن جمعا 51 نفر تیاوزی



کردن جرات نداشتند در مسجد الحرام علنا عبادت کنند پس از درخواست بسیار از حضرت عمر رسول الله با دو صوف یکی عمر و دیگری حضرت کنزه از خانه خارج شده و کعبه را جلو چشم مشرکین طواف می‌کنند و نماز ظهر را آن جا می‌خوانند. باین هیبت عمر و شجاع بزرگ کنزه مشرکین طواف می‌کنند جرات می‌کردند مانع طوافشان نگرددند یا جلو نمازشان گرفتند یا حد اقل اعتراض نمایند فقط به هم دیگر می‌گفتند: امروز محمد حق خود را از ما گرفت. فردوسی می‌گوید:

عمر کرد اسلام را ارتکار بیاراست گیتی چون باغ و بهار  
عمر نه تنها اسلام و عبادتش را از کسی  
بندگوان نداشت بلکه هجرتش را نیز از دشمنان  
نپوشید در آن هنگام که رسول الله به مکه‌نشینان  
دستور فرمود به مدینه هجرت نمایند قریش همه  
بیم ناک شده می‌گذاشتند مکه را به آنجا بروند ولی  
عمر بر خود نه پشیمید خفیان هجرت نمایند لذا  
همین که تصمیم گرفت به مدینه رود در خانه  
سلاح پوشید و به مسجد الحرام رفت بیت الله را  
طواف کند و نماز خواند

حضرت عمر بن خطاب از همان آغاز  
نبرد های مکه‌نشینان علیه دشمنان شان در اکثر  
فترت های حضور داشت وی در غزوه بدر احد  
خندق افتخار مکه خنجر در سپاه رسول بود

**عمر پس از رحلت پیامبر** پس از رحلت  
رسول خدا در ۱۱ هجری عمر در اخذ رای برای ابوبکر  
نقشی اصلی داشت در زمان خلافت ابوبکر  
وی نزدیک به صد فدرات ابوبکر بود و در موافقت  
حق بیشتر و سرسخت تر از خود ابوبکر مدافع  
وی بود وی به عنوان وزیر امین و صدیق همکار  
خیر خواه و یار مددگار برای ابوبکر صدیق به حساب می‌رفت